

## چرا اقتصاد ایران به چنین روزی افتاد

حسین ملایی

«در مصیبت‌نامه شیخ عطار حکایتی است بدین مضمون:

مردی از دیوانه‌ای پرسید: اسم اعظم خدا را می‌دانی؟

دیوانه گفت: نام اعظم خدا نان است، اما این را جایی نمی‌توان گفت.

مرد گفت: نادان شرم کن! چگونه اسم اعظم خدا نان است؟

دیوانه گفت: در قحطی نیشابور چهل شبانه‌روز می‌گشتم، نه هیچ جایی از اذان می‌شنیدم و

نه در هیچ مسجدی را گشوده دیدم. از آنجا بود که فهمیدم نام اعظم خدا و بنیاد دین نان است.»

با توجه به مجموعه شرایطی که کشورمان در عرصه داخلی و خارجی با آن روبه‌رو است، به نظر

می‌رسد «اقتصاد» کانونی‌ترین موضوع و بحث روز در اداره کشور شده است و بدون ساماندهی

اقتصاد انتظار گشایش در دیگر عرصه‌ها، به‌ویژه در امور سیاسی و اجتماعی، مشکل می‌نماید. با

توجه به این موضوع و در حد این مقال در ادامه تلاش خواهد شد تا با «نگاهی کلی به اقتصاد» به

طرح مهم‌ترین مسائل و مشکلات و چالش‌هایی که «اقتصاد ایران» با آن روبه‌رو است، پرداخته شود،

به امید اینکه راهگشای مسؤولان اداره کشور و فعالان اقتصادی در رویارویی علمی و کارشناسی

با این موضوع باشد.



### اقتصاد ایران را بر پایه چه مدلی می توان تبیین و توصیف کرد؟

این اصلی ترین پرسشی است که در ارتباط با «اقتصاد ایران» می توان مطرح کرد و البته پاسخی دقیق، سراسر است و علمی برای آن نمی توان یافت. چرا که بر پایه واقعیت ها و شاخص های جاری در «اقتصاد ایران»، این اقتصاد نه بر پایه «اقتصاد بازار» است و نه بر پایه «نظام برنامه ریزی متمرکز» و نه حتی نوعی «اقتصاد مختلط»، بلکه به تسامح می توان آن را نوعی «سرمایه داری دولتی» نامگذاری کرد که حاکی از تناقض درونی است! البته عنوان دیگر هم «اقتصاد دولتی-نفتی-رانتی» است! توصیف درونی این اقتصاد بهتر این وضعیت را بازتاب می دهد.

بدون آنکه بخواهیم به شاخص های کلان اقتصادی از قبیل نرخ های رشد تولید و سرمایه گذاری، اشتغال، بیکاری و تورم و روند آنها در سالهای گذشته بپردازیم و عملکرد دولت های پس از انقلاب را در این باره بررسی و ارزیابی کنیم، نتیجه حاصله بنیادی ترین مشکل و مادر مصائب «اقتصاد ایران» را میزان مداخله بالای دولت در فعالیت های اقتصادی و حضور ضعیف و اندک بخش خصوصی و جامعه مدنی نشان می دهد. ابتلای کشور به بحران های شش گانه بیکاری، منابع آب، مسائل محیط زیستی، نظام بانکی، بودجه دولت و صندوق های بازنشستگی حاکی از این وضعیت وخیم است. در این شرایط «فساد اقتصادی» و «تشدید تحریم ها» هم به جان این اقتصاد بیمار افتاده و مسیر توسعه کشور را سخت ناهموار کرده است!

در حالی که «اقتصاد ایران» در شرایط کنونی با مشکلات کنترل رشد نرخ تورم، انجام سرمایه گذاری برای خروج از رکود و ایجاد رونق اقتصادی، ایجاد اشتغال و کمبود منابع مالی هم روبرو است، به لحاظ اجتماعی نیز توزیع ناعادلانه درآمد و شکاف درآمدی، هشداردهنده و باعث برخی اعتراضات صنفی شده است. فضای روانی حاصل از خروج آمریکا از برجام و تنش ناشی از آن



در روابط اقتصادی ایران با دیگر کشورها، شدیداً در بازار ارز و سرمایه و کالاها بازتاب پیدا کرده و به کاهش قابل توجه ارزش پول ملی در هفته‌های اخیر دامن زده و نوعی بی‌ثباتی و تلاطم را به اقتصاد و حیات اجتماعی القا کرده است. هر چند دولت برای مقابله با این وضعیت به اتخاذ سیاست تثبیت نرخ ارز و کنترل بازار روی آورد، اما همانند تجربه دولت‌های گذشته در موارد مشابه این سیاست پاسخگو نبوده است و در عمل نه‌تنها نتوانست به تثبیت نرخ ارز بینجامد، بلکه به نظام چند نرخي ارز و رانت‌جویی و فساد همچون تجربه‌های گذشته دامن زده است.

### در مقابله با این وضعیت چه باید کرد؟

در درجه اول باید دانست به دلیل عدم شفافیت حاکم بر نظام اداری و اجرایی کشور «اقتصاد سیاه یا سایه و غیر رسمی» یکی از بیماری‌های دیرین و مبتلابه «اقتصاد نفتی- رانتی- دولتی ایران» است که ناگزیر، پیامدش «فساد اقتصادی» است. هر چند دامنه این «فساد اقتصادی» بستگی به شرایط محیطی قبض و بسط داشته است، اما بر پایه اخبار در این سالها این فساد به اوج خود رسیده و نهادینه و نظام‌مند شده است، به گونه‌ای که اکنون از تأثیرگذاری پول‌های کثیف ناشی از اقتصاد سیاه و قاچاق گسترده مواد مخدر و کالا بر عرصه سیاست و انتخابات سخن گفته و پرده‌برداری شده است. ماجرای ورشکستگی تعدادی از مؤسسات مالی و اعتباری و تحمیل بازپرداخت سپرده‌گذاران این مؤسسات از جیب بیت‌المال و مردم (بانک مرکزی) با چاپ اسکناس با رقمی نزدیک به سی هزار میلیارد تومان که نتیجه‌اش دامن زدن به غول نقدینگی و تورم است، در عین حالی که افزایش قابل توجه نقدینگی طی سالهای اخیر به اندازه کافی ظرفیت لازم را برای دارندگان نقدینگی بالا برای سوداگری و هجوم آوردن به بازارهای پرسود از قبیل ارز، طلا،

مسکن و... فراهم آورده است، به گونه‌ای که به راحتی می‌توانند قدرت کنترلی دولت را دور زده و آثار سیاست اتخاذی را کم‌اثر یا بی‌اثر سازند!

کالبدشکافی علل «فساد اقتصادی» دامنگیر کشور بحث و مقال جدایی را می‌طلبد، اما به طور خلاصه می‌توان به این علل اشاره کرد: ۱- قانون‌گریزی گسترده و اجرا نشدن قانون مبارزه با پولشویی؛ ۲- نداشتن اجماع در سطح عالی تصمیم‌گیری برای رویارویی با فساد؛ ۳- توجه نکردن به شایسته‌سالاری و جلب افراد متخصص و باتجربه به دلایل جناحی، سیاسی و عقیدتی؛ ۴- نظامی‌سازی اقتصاد ذیل عنوان خصوصی‌سازی؛ ۵- ضعف مفرط نهادهای نظارتی درون حاکمیت؛ ۷- و مهمتر از همه ضعف جامعه مدنی (احزاب، تشکل‌های صنفی و مطبوعات).

بنابراین دولت روحانی باید یک عزم و برنامه روشن و عملیاتی برای ایجاد شفافیت و مبارزه با «فساد اقتصادی» داشته باشد که شامل اصلاحات درون‌سازمانی ساختار اداری و اجرایی کشور از یک سو و تقویت جامعه مدنی (احزاب، تشکل‌های صنفی و مطبوعات) از سوی دیگر شود. حل بحران ارز فعلی نیز هر چند به دلیل فضای روانی ناشی از تنش بین ایران و آمریکا و تشدید تحریم‌ها دامن زده شده است، اما ریشه آن را باید در «فساد اقتصادی» دامنگیر و نقدینگی در دستان برخی افراد و نهادها یافت و دولت روحانی اگر می‌خواهد چرخ زندگی مردم را به سمت بهبود و رفاه همگانی همان‌گونه که وعده داده است به حرکت درآورد، باید در دو سویه سیاست خارجی و سیاست‌های اقتصادی جاری، برنامه‌ای جامع طراحی و اجرایی کند که نتیجه‌اش تنش‌زدایی در سیاست خارجی و محو الیگارش فساد در کشور باشد. نباید فراموش کرد که «اقتصاد ایران» به‌رغم این مشکلات و بحران‌ها همچنان از مزیت‌هایی همچون نیروی انسانی جوان و آموزش‌دیده، منابع طبیعی غنی و موقعیت ممتاز جغرافیایی برخوردار است و در صورت اتحاد و انسجام ملی و اجماع در تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری مناسب، می‌تواند این شرایط دشوار را پشت سر گذارد و به افق‌های توسعه‌ای دست یابد.